

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه ششم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیام‌هایی که بدون این فعالیت‌ها میسر نیست، و البته فراموش نمی‌کنیم که کلاس‌های داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم‌کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکان‌مان را هر چه زیباتر، رنگارنگ‌تر و غنی‌تر کنیم و با قدرت داستان‌نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آن‌ها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

کوه داستان شش مرحله‌ای (مشکل - چالش)

مرحله‌ی مشکل، جایی که قهرمان با مسئله‌ی اصلی خودش رو در رو می‌شود. چالش اصلی همین‌جاست. درگیری اصلی بین قهرمان و ضدقهرمان همین‌جا رخ می‌دهد. این بخش پس از گذر از شروع، اتفاق غیر منتظره و البته مرحله‌ی ساختن اتفاق می‌افتد. این مرحله همیشه قله‌ی کوه داستان است. زیرا نقطه‌ی اوج قصه است و بیشترین میزان هیجان و جذابیت در آن اتفاق می‌افتد. چه بخشی از داستان می‌تواند مهم‌تر از لحظه‌ی تقابل قهرمان و ضدقهرمان باشد؟

در مرحله‌ی مشکل، تنش داستان به نقطه‌ی اوج خودش می‌رسد. این بخش معمولاً باعث ایجاد تغییرات اساسی در داستان می‌شود. نقطه‌ی اوج باید واضح و مشخص بوده و هم زمان تاثیر قابل توجهی بر شخصیت‌ها و پیشرفت داستانی داشته باشد.

این مرحله از داستان، جایی است که قهرمان در آستانه‌ی تصمیم و تقابل مهمی قرار می‌گیرد. در قصه‌ی جک و لوبیای سحر آمیز، قهرمان پس از بالا رفتن از درخت لوبیا به قلعه غول می‌رسد و با غول روبرو می‌شود. او باید تصمیم بگیرد که آیا خطر را به جان بخرد و گنج را بردارد، یا خطر نکند و برگردد؟ یا در قصه‌ی شئل قرمزی، وقتی قهرمان به خانه مادر بزرگش می‌رسد و متوجه می‌شود که گرگ به جای مادر بزرگ در تخت خواب است، باید تصمیم بگیرد که چه کار کند؟! جانش را به خطر بیاندازد و برای نجات مادر بزرگ اقدامی کند؟ یا این که برگردد و کار خاصی انجام ندهد؟

از بچه‌ها بخواهید در قصه‌هایی که شنیده و یا فیلم‌هایی که دیده‌اند، نقطه‌ی را پیدا کنند.

تمرین:

۱/ یک نقطه‌ی اوج بنویسید و از بچه‌ها بخواهید قصه‌ی شروع تا به آن مرحله را بنویسند. به آن‌ها بگویید ابتدا شخصیت‌های موجود در این ماجرا را به صورت جداگانه تعریف کنند. سپس قصه‌ی تقابل‌شان را بنویسند. پیش از این نقطه‌ی اوج چه اتفاقاتی افتاده بود؟ شخصیت اصلی کیست و هدفش چیست؟ ضدقهرمان چه چالشی پیش روی قهرمان گذاشته است؟ آن دو چه ماجراهایی را پشت سر گذاشتند تا به این‌جا برسند؟

۲/ از دانش‌آموزان‌تان بخواهید این قصه را در خانه تکمیل کنند (ماجراهای پس از نقطه‌ی اوج را نیز بنویسند) و برای جلسه‌ی آینده با خود به کلاس بیاورند.

کوه داستان شش مرحله‌ای (در مسیر فرود)

قصه‌ها به واسطه‌ی اتفاقاتی که برای قهرمان‌ها رخ می‌دهند ساخته می‌شوند. قهرمان‌ها (حتی اگر انسان نباشند) رفتارهای انسانی دارند. آن‌ها علایقی دارند که برای به دست آوردن‌شان تلاش می‌کنند. قصه در مورد قهرمانی است که برای رسیدن به هدفش با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود. او مبارزه می‌کند و از پا نمی‌نشیند. حتی بزرگ‌ترین مشکل در نقطه‌ی اوج داستان نیز نمی‌تواند او را منصرف کند. در نهایت قهرمان راه حلی برای حل مشکلی پیدا می‌کند. این‌جا مرحله‌ی پنجم از کوه داستان شش مرحله‌ای آغاز می‌شود: در مسیر فرود.

در مسیر فرود جایی است که بار دیگر از قله‌ی کوه داستان به سمت پایین حرکت می‌کنیم. مهم‌ترین و هیجان‌انگیزترین بخش داستان را پشت سر گذاشتیم و حالا می‌فهمیم که قهرمان قرار است چگونه مسئله را حل کند.

با استفاده از کتاب‌های کانون پرورش فکری قصه‌ای برای بچه‌ها تعریف کنید. همچنین می‌توانید از قصه‌ی زیر استفاده کنید:

« قصه در مورد دسته‌ای از کبوترهاست که همیشه باهم به سفر می‌رفتند. رئیس آن‌ها طوقی نام داشت. روزی آن‌ها در حال پرواز بودند و روی زمین مقدار زیادی دانه پیدا کردند. همه هیجان‌زده شدند و به طرف دانه‌ها رفتند. اما تا نشستند، پاهایشان در تور گیر کرد. آن‌ها تازه فهمیدند که این دانه‌ها روی یک دام ریخته شده است. اما دیر شده بود. همه‌ی آن‌ها وارد تور شدند و گرفتار دام شکارچی شدند. سعی کردند از میان سوراخ‌های تور فرار کنند، اما موفق نشدند. شکارچی، هیجان‌زده شد، پرید تا آن‌ها را بگیرد. طوقی به آن‌ها گفت: قبل آمدن صیاد باید فرار کنیم. به حرف من گوش بدهید. وقتی که تا سه شمردم همه باهم شروع به بال زدن می‌کنیم. همین کار را کردند و تور را با خودشان بلند کردند. شکارچی با تعجب دنبال آن‌ها دوید. اما کبوترها دور و دورتر شدند. آن‌ها از دست شکارچی فرار کرده بودند، اما خودشان درگیر دام بودند و نمی‌توانستند کاری کنند. طوقی به آن‌ها گفت: راستش را بخواهید من یک دوست دارم که می‌تواند به ما کمک کند. آن‌ها کنار برکه رفتند و دوست طوقی که یک موش است، طناب‌ها را با دندان تیزش جوید. کبوترها از دام رهایی پیدا کردند و فرار کردند. آن‌ها یاد گرفتند بیشتر احتیاط کنند تا دوباره در دام نیافتند.»

از بچه‌ها بخواهید در مورد قصه گفتگو کنند. در آستانه‌ی فرود اثر را شناسایی کنند و آن را استخراج کنند. سپس عنوان چند قصه‌ی معروف را برای بچه‌ها عنوان کنید و از آن‌ها بخواهید بگویند که شخصیت داستانی در هر کدام، چه راه حلی برای حل مشکلی انجام داد؟

طوقی و بازرگان. (طوقی برای آزادی خود چه کرد؟)

بزبز قندی. (مادر بزها برای نجات فرزندان‌ش چه کرد؟)

هانسل و گرتل. (برای فرار از دست جادوگر چه کردند؟)

تمرین:

از دانش آموزان بخواهید یکی از چهار قصه‌ی فوق (و یا یک قصه‌ی معروف دیگر که بقیه بلد باشند) را انتخاب کرده، سپس راهکار شخصیت اصلی برای حل مسئله را عوض کنند. از آن‌ها بخواهید این بخش از داستان را بار دیگر بنویسند و برای بچه‌ها بخوانند. (این تمرین را می‌توان با قصه‌های مختلفی انجام داد.)